فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سال دهم، شماره سی‌ونهم، پاییز ۱۳۹۹
مقاله پژوهشی، صفحات ۵-۳۲

تحلیل آماری مهاجران به حبشه

محمد محمودپور[۱]

چکیده

مهاجرت به حبشه که در ابتدای دعوت رسمی پیامبر ﷺ در سال پنجم بعثت روی‌داد، از مهمترین وقایع تاریخ اسلام است. اسناد و شواهد تاریخی چندانی درباره این مهاجرت در دست نیست. کمبود اطلاعات موجب شده پژوهش‌های تاریخی درخوری درباره این مهاجرت انجام نشود؛ از این‌رو علل، چگونگی و پیامدهای مهاجرت به حبشه همچنان مبهم مانده است. مسئله اصلی مقاله این است که شمار، وابستگی قبیلگی و جنسیت مهاجرین به حبشه چه بوده‌است؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند موجب تبیین علل و پیامدهای هجرت به حبشه شود. در این نوشتار با بررسی منابع اولیه و تنظیم داده‌های تاریخی به صورت جدول و نمودار نشان داده شد که بیشتر مهاجران به حبشه از گروه حلف‌الاحلاف، رقیب سیاسی بنی هاشم بوده‌اند. مسلمان شدن شمار بسیاری از جوانان حلف‌الاحلاف به اسلام، که در سال پنجم حدود نیمی از تازه مسلمانان مکه را شامل می‌شدند موجب سخت‌گیری شدید رؤسای قبایل بر آنان شده بود. از این‌رو پیامبر ﷺ که به سبب وجود سازِکارهای قبیلگی، توان حمایت از آن افراد را نداشت، دستور داده بود تا گروهی از تازه مسلمانان این گروه به حبشه هجرت کنند. بررسی آماری مهاجران حبشه و تحلیل آن بر اساس ساختار قبیگی عرب دوره جاهلی نشان می‌دهد که هدف اصلی این مهاجرت دور ماندن از فشار و شکنجه و حفظ جمعیت تازه مسلمان مکه بوده‌است.

کلیدواژه‌ها: حبشه، حلف‌الاحلاف، حلف المُطَیبین، سیره پیامبر ﷺ، مستضعفان، هجرت به حبشه.

---

۱. استادیار پژوهشکده علوم انسانی. m.mahmoudpour@rch.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۲۵

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

درآمد

به‌زعم مسلمانان و مورخان سنتی، بعثت و رسالت پیامبر اسلام ﷺ در روشنای تاریخ رقم خورده است. با این حال اطلاعات تاریخی در مورد وقایع دوره پیامبر ﷺ در مکه بسیار کوتاه، مبهم، ناپیوسته و معمولاً آمیخته با قصه است تا جایی‌که هشام جعیط (ص۲۱۱) از آن با نام دوران تاریک مکّی یاد می‌کند. صرف نظر از آسیب‌هایی که در گزارش و نگارش تاریخ صدر اسلام در دوره بنی امیه و بنی عباس رخ داده است، به نظر می‌رسد تاریخ دوره بعثت، در چند دهه بعد برای مسلمانان صدر اسلام نیز مبهم بوده‌است و شاید از همین‌رو خلیفه دوم برای تنظیم دیوان عطا، سبقت در اسلام را از دوره مدنی و از غزوه بدر آغاز کرده بود (زریاب، ۱۱٦).

قرآن، مهمترین منبع مطالعه تاریخ دوره پیامبر ﷺ نیز در رفع ابهام تاریخ دوره بعثت کمک چندانی نمی‌کند. آیات مکی قرآن از نظر کمّی بیشتر از آیات مدنی است با این حال آیات مکی به طور مستقیم به حوادث تاریخی اشاره نمی‌کنند (جعیط، ۲۱۲). جدای از ابهام طبیعی روایات تاریخی در آغاز هر جریانی، به نظر می‌رسد فضای سری و امنیتی آغاز دعوت پیامبر ﷺ، علت اصلی سکوت آیات قرآنی و ابهام منابع تاریخی در گزارش وقایع دوران مکی است.

هجرت به حبشه از جمله وقایع دوران مکی است که نه کتاب‌های سیره و مغازی و نه آیات قرآنی اطلاعات چندانی از آن ارائه نمی‌کنند. هجرت مسلمانان به حبشه در سال پنجم بعثت آغاز شد و پس از پانزده سال و بعد از غزوه خیبر آخرین گروه مهاجرین، از حبشه به مدینه بازگشتند. از نظر بازه زمانی و گستره جغرافیایی، هجرت به حبشه از بزرگترین وقایع تحولاتِ بیست و سه ساله دوره پیامبر ﷺ است که بیش از دو سوّم تاریخ این دوره را به خود اختصاص داده است. با چنین جایگاهی، این واقعه چنان‌که باید از سوی پژوهشگران مورد توجه قرار نگرفته است. مهاجرت به حبشه در مآخذ صدر اسلام و حتی در پژوهش‌های بعدی، معمولاً جدا از سایر وقایع مورد توجه قرار گرفته است. از این‌رو چنین به ذهن متبادر می‌شود که این مهاجرت نه یک واقعه تاریخی بلکه یک رخداد مقطعی بوده که در وقایع بعد از آن تأثیری نداشته است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

به‌رغم کمبود داده‌های تاریخی درباره هجرت به حبشه، در مورد اسامی مهاجران به حبشه داده‌های درخوری در منابع وجود دارد. این نوشتار با استخراج اسامی مهاجران، نشان داده است که تعداد مهاجران از جمع‌بندی مشهوری که در منابع سیره آمده، بیشتر است. با نگاهی به فهرست اسامی (جدول شماره یک) این سؤال مطرح می‌شود که چرا بیشتر مهاجران به حبشه از اشراف و بزرگ‌زادگان مکه بودند؟ نظام قبیلگی به عنوان مهمترین سازِکار روابط سیاسی – اجتماعی عربستان چه تأثیری در این واقعه داشته است؟ چرا بیشتر مهاجران مرد بوده و به صورت مجردی به حبشه مهاجرت کرده‌اند؟ شمار این مهاجران نسبت به کل مسلمانان اولیه چقدر است؟ این نوشتار برآن است تا با استخراج، دسته‌بندی و بررسی جمعیتی مهاجران به حبشه به سؤالات بالا پاسخ داده و زمینه را برای تحلیل تاریخی علل و پیامدهای هجرت به حبشه فراهم کند.

این نوشتار به علل انتخاب حبشه برای مهاجرت و پیامدهای این واقعه نمی‌پردازد چرا که روایات و منابع موجود برای تحلیل این مهم کفایت نمی‌کند. این پژوهش بر آن است تا با بررسی مآخذ معتبر تاریخی و کتاب‌های سیره و طبقات، اسامی و شمار مهاجران را شناسایی کند؛ سپس با دسته‌بندی آنها به قبایل، طوایف، جنسیت و سن، که در نظام اجتماعی عربستان صدر اسلام تعیین کننده بودند، جایگاه اجتماعی مهاجران را مشخص نماید. بر اساس این دسته‌بندی می‌توان علت مهاجرت گروه معتنابهی از یاران پیامبر ﷺ از مکه را تحلیل کرد. بررسی مهاجرت به حبشه در زمانی که پیامبر ﷺ به صورت فردی به دنبال یارگیری بود، بسیار حائز اهمیت است. پیامبر ﷺ با چه هدفی در سخت‌ترینِ شرایط که به تکْ تکِ افراد مؤمنان نیاز داشت، شمار قابل توجهی از یاران خود را به خارج از مکه فرستاد؟ علل مهاجرت به حبشه و همچنین تأثیر آن بر سیر دعوت پیامبر ﷺ، یکی از مجهولات مهم تاریخ اسلام است. از این‌رو یکی از اهداف این مقاله دست‌یابی به اطلاعاتی است که از طریق آن بتوان به علل رفتن به حبشه و سپس پیامدهای آن دست یافت. بدون تردید چنین پژوهش‌هایی می‌تواند مبنایی برای گسترش فهم تاریخی از چند و چون بزرگترین واقعه تاریخ دوره نبوت شود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

پیشینه تحقیق

در مورد حوادث سال پنجم بعثت و علل و انگیزه‌های هجرت مسلمانان به حبشه و تأثیرات این واقعه در صدر اسلام، تاکنون پژوهش دانشگاهی صورت نگرفته و ظاهراً بیشتر بار داستانی این واقعه مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است. از این‌رو کتاب‌های داستانی بسیاری بر اساس این واقعه نوشته شده‌است که از باب نمونه می‌توان به *هجرت به حبشه* اثر عبدالحمید جوده السحار (۱۳۷۲ش)، ترجمه بی آزار شیرازی؛ *مهاجران حبشه* اثر شهید مطهری (بی‌تا)؛ *مهاجرت به حبشه* اثر ثانی اثنین خان (۱۳۸۵ش)، ترجمه آرش نورقربانی؛ *هجرت به حبشه* اثر اسحاق محمدی (۱۳۸۵ش)؛ *مهاجرت به حبشه* اثر محمدحسین راستگو (۱۳٤۹ش)، اشاره کرد. تنها اثر مستقلی که به بررسی تاریخی این واقعه پرداخته، *مهاجرت به حبشه* اثر محمد بن فارس جمیل (بی‌تا)، ترجمه علیرضا ذکاوتی است که به ضمیمه داستان هجرت به حبشه اثر رسول جعفریان به چاپ رسیده‌است. در این کتاب اطلاعات سودمندی درباره هجرت و مهاجران به حبشه ارائه شده‌است ولی مؤلف به جمع‌بندی و تحلیل مهاجران به حبشه و تأثیر نظام قبیلگی بر این واقعه نپرداخته است. از این‌رو، با توجه به کمبود اطلاعات درباره علت، هدف و پیامدهای این واقعه، این نوشتار برآن است تا با بررسی جمعیتی مهاجران به حبشه، زمینه‌ساز فهم دقیقِ علت و هدف اصلی هجرت به حبشه شود.

ساختار سیاسی اجتماعی مکه در زمان هجرت

شناخت چگونگی و سیر تحول دعوت پیامبر ﷺ، به ساختار سیاسی– اجتماعی عربستان به ویژه نظام قبیلگی وابسته است. چرا که سران قبایل عربستان، ایمان و اعتقادی به الهی بودن دعوت پیامبر ﷺ نداشتند و به زعم خود آن را در قالب رقابت‌های قبیلگی توجیه می‌کردند. از این‌رو در سه سال و به قولی در پنج سال اول بعثت که دعوت پیامبر ﷺ، غیر رسمی[1] بود، بارزترین واکنش سران قریش، استهزاء و

۱. سه سال و به قولی پنج سال اول بعثت به دوره دعوت پنهانی و غیر علنی مشهور شده‌است. در حالی که با نگاه به گزارش‌های تاریخی روشن می‌شود که پیامبر ﷺ از آغاز بعثت، دعوت خود را مخفی نمی‌کرده است. اسلام آوردن ←

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

تمسخر پیامبر ﷺ بود. سران قریش با لحنی تمسخرگونه پیامبر ﷺ را به سخن گفتن از آسمان متهم می‌کردند (آیتی، ۱۰۳). بعد از آن که بنا بر گزارش قرآن (حجر/ ۹۴-۹۵) دعوت به اسلام، رسمی و علنی شد، هر روز بر شمار مسلمانان افزوده شد و در پی آن، سران قریش تلاش کردند تا با استفاده از سازکارهای قبیلگی جلوی گسترش دعوت را بگیرند. به همین سبب سران قریش که پس از تطمیع و تهدید پیامبر ﷺ برای انصراف از دعوت به مراد خود نرسیدند، بر آن شدند تا با اذیت و آزار تازهِ مسلمانان آنها را از ایمانشان برگردانند. آنها همچنین با ایجاد فضای رعب و وحشت تلاش کردند جلوی اسلام آوردن سایرین را بگیرند (آیتی، ۱۰۴-۱۰۸).

بر اساس ساختار اجتماعی عربِ شبه‌جزیره، هر قبیله و طایفه‌ای، واحد مستقلی محسوب می‌شد. کسی حق مداخله و مجازات فردی از قبیله یا طایفه دیگر را نداشت مگر اینکه بر اساس پیوندهای قبیلگی که با نام حلف (=پیمان) برقرار می‌شد چنین اجازه‌ای به قبایل و طوایفِ عضو آن حلف داده شده باشد. در نبود دولت مرکزی در عربستان، چنین پیمان‌هایی حداقلی از نظم و امنیت اجتماعی را برقرار می‌کرد. افزون بر قبایل و طوایف ساکن در شهر مکه و نواحی اطراف آن، دو حلف قدرتمند و تأثیرگذار با نام حلف‌الاحلاف و حلفالمُطَیبین وجود داشت که از دیرباز در معادلات و مناقشات عربستان به ویژه حجاز نقش آفرینی داشتند. گذشته از علل و اسباب شکل-گیری این دو حلف، لازم به ذکر است که طوایف عضو این دو حلف پیوسته ثابت نبودند و بنا به شرایط، تغییراتی در آن دو ایجاد می‌شده‌است.

حلف المُطَیبین از مشهورترین پیمان‌های حجاز بود. قصی تمام مناصب و مقامات شهر مکه اعم از دینی و سیاسی را به پسر خود عبدالدار سپرده بود. پس از او نیز این مناصب به فرزندان عبدالدار رسید. هاشم بن عبدمناف بن قصی تلاش کرد تا این

برخی از بزرگان قریش و مخالفت‌های برخی از سران قریش با دعوت پیامبر ﷺ در سال‌های آغازین بعثت بهترین گواه بر علنی بودن بعثت و دعوت پیامبر ﷺ است. به نظر می‌رسد وقایعی چون یوم الانذار نیز برای رسمی کردن دعوت و اتمام حجت با بنی هاشم بوده‌است. از این‌رو بایسته است سه و به قولی پنج سال اول بعثت را دوره دعوت غیر رسمی نامید چه پیامبر ﷺ در این دوره رسماً از طرف خداوند مأمور به دعوت همگانی نشده بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

مناصب را از پسران عبدالدار بگیرد. فرزندان عبدالدار تسلیم نشدند و در برابر بنوعبدمناف صف‌ارایی کردند. فرزندان عبدمناف، طوایف بنی‌اسد، بنی‌زهره، بنی‌تیم و بنی‌الحارث از طوایف قریش را با خود همراه ساخته باهم پیمان بستند. پیش از آن رسم بود که هم‌پیمانان به هنگام سوگند وفاداری دست در خاکستر و نمک فرو می‌بردند اما پسران عبدمناف و هم‌پیمانانشان کاسه‌ای پر از عطر در کنار کعبه نهادند و دست در آن فرو بردند و به کعبه مالیدند و به همین جهت معاهده ایشان حلف المطیبین نامیده شد (ابن هشام، ۱/ ۱۳۰-۱۳۲؛ مسعودی، ۱۸۰). در برابر آنها، پسران عبدالدار برای دفاع از حقوق خویش با طوایف بنی‌مخزوم، بنی‌جمح، بنی‌سهم و بنی‌عدی از قریش پیمان بستند که حلف الاحلاف نامیده می‌شده‌است. بنی‌عدی کاسه‌ای از خون آوردند و دست درآن فرو بردند و چون بعضی از ایشان از این کاسه خون لیسیدند از این‌رو پیمان به لعقه الدم نیز معروف شد (بلاذری، ۱/ ٥٦؛ ابن سعد، ۱/ ٦٣؛ ابن کثیر، ۲/ ۲۹۱؛ ابن جوزی، ۲/ ۲۱۸). لازم به ذکر است برخی از طوایف مانند عامر بن لؤی و محارب ابن فهر در این گروه‌بندی بی طرف مانده بودند (ابن حزم، ۱۵۸).

البته همه پیمان‌های عرب دوره جاهلی بر سر قدرت نبوده‌است. حداقل یک مورد در تاریخ عربستان وجود دارد که افزون بر آن دوپیمان بالا، بسته شده بود و از این رو به به نام حلف الفضول معروف است (یعقوبی، ۲/ ۱۸). این پیمان فراتر از مناسبات قبیلگی و برای گرفتن حق مظلوم از ظالم بسته شده بود. گاهی به اموال افرادی از عرب و عجم که مال التجاره به مکه می‌بردند، تعدی و تجاوز می‌شد، از این‌رو طوایفی از قریش مانند بنی‌هاشم، بنی‌مطلب، بنی‌اسد بن عبدالعزّی، بنی‌زهره، بنی‌تیم و بنی‌حارث در خانه عبدالله جدعان که از طایفه تیم بود جمع شدند و در آنجا با هم پیمان بستند که تا دریا تار پشمی را تر کند حامی ستمدیدگان باشند تا حقشان را بگیرند (بلاذری، ۲/ ۱۲؛ ابن سعد، ۱/ ۱۰۳؛ ابن هشام، ۱/ ۱۳۳؛ ابن کثیر، ۲/ ۲۹۱؛ ابن جوزی، ۲/ ۳۱۰؛ مسعودی، ۱۷۹-۱۸۰). با بررسی طوایف عضو این پیمان‌های سه‌گانه، روشن می‌شود که اعضای دو پیمان حلف المطیبین و حلف الفضول تقریباً یکسانند.

حلف المطیبین و حلف الاحلاف مهمترین صف آرایی طوایف قریش به هنگام بعثت

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

پیامبر ﷺ بود که در مکه بر سر گرفتن قدرت با هم نزاع داشتند. از واکنش‌های سران قریش در مواجهه با دعوت پیامبر ﷺ نیز پیداست که آنها اسلام را حیله‌ای از طرف بنی هاشم برای به دست آوردن رهبری و سروری بر مکه قلمداد می‌کردند. چنانکه ابوجهل مخزومی از سران حلف‌الاحلاف به صراحت بیان می‌کند که «ما با پسران عبدمناف بر سر احراز شرف مبارزه کردیم، ....تا اینکه آنها گفتند از ما پیامبری برخاسته است که بر او از آسمان وحی می‌رسد. ما چگونه در این مورد به ایشان برسیم؟ به خدا که من نه به او ایمان می‌اورم و نه او را تصدیق می‌کنم» (ابن هشام، ۱/ ۳۱٦). مقریزی (ص ٤١) نیز در کتاب *النزاع و التخاصم فیما بین بنی امیه و بنی هاشم* با اشاره به درگیری‌های این دو خاندان در دوره جاهلیت تصریح می‌کند که همین درگیری‌ها به دوره دعوت محمد ﷺ نیز کشیده شده‌بود. از این رو در کتاب‌هایی که به شرح زندگانی صحابه نخستین پیامبر ﷺ پرداخته‌اند، موارد بسیاری یافت می‌شود که نشان دهنده شکنجه و آزار تازه مسلمانانی است که از گروه حلف الاحلاف هستند.

در این میان به شکنجه و آزار برخی از بردگان و کنیزکان وابسته به گروه حلف الاحلاف و اشراف زادگان این گروه اشاره می‌شود که همگی افراد معرفی شده در زیر، جزو مهاجران به حبشه هستند. از معروفترین بردگان و وابسته به گروه حلف الاحلاف می‌توان به یاسر و سمیه، والدین عمار اشاره کرد که توسط ابوحذیفه و ابوجهل مخزومی از سران بنی مخزوم از گروه حلف الاحلاف به شدت شکنجه می‌شدند. به گزارش ذهبی (۳/ ۵۷۱-۲) عمار بن یاسر نیز برای بازگشت از دین اسلام به شدت شکنجه می‌شد و حتی به آتش افکنده می‌شده‌است تا از پیروی دین اسلام دست بردارد. ابوفکهیه، برده صفوان بن امیه از بزرگان عبدالدار نیز از دیگر کسانی است که برای برگشت از دین اسلام در گرمای نیمروز بر روی شن‌های گرم و سوزان در حالی که سنگی بر پشت او بسته بودند، به بند کشیده و شکنجه می‌شد تا جایی‌که از شدت درد بیهوش می‌شد (ابن سعد، ٤/ ۹۲؛ ابن عبدالبر، ٤/ ۱۷۳۰). اذیت و آزار تازه مسلمانان حلف الاحلاف تنها به بردگان ختم نمی‌شد بلکه اشراف به ویژه اشراف زاده‌ها نیز به سبب وجود رقابت‌هایی که بین آنها و گروه رقیب یعنی حلف المطیبین و حلف

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

الفضول وجود داشت، در صورت گرایش به اسلام به شدت مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفتند. برای نمونه می‌توان به زبیر بن عوام پسرعمه پیامبر ﷺ از طایفه بنی اسد بن عبدالعزی اشاره کرد. زبیر که جزو سابقین در اسلام است به شدت از سوی عمویش در حالی که در حصیر پیچیده و معلق شده‌بود با دود مورد شکنجه قرار می‌گرفت تا مجبور به بازگشت از اسلام شود (صالحی شامی، ۱۱/ ۳۱۲). سلمه بن هشام از طایفه بنی مخزوم نیز از دیگر اشراف زاده‌هایی است که به سبب اظهار اسلام توسط برادرش ابوجهل زندانی شد. ابوجهل سعی کرد با تحمیل گرسنگی و تشنگی، سلمه را از اسلام برگرداند (ابن عبد البر، ۲/ ٦٤٣؛ بلاذری، ۱۰/ ۱۸۳). عامر برادر سعد بن ابی وقاص، از دیگر افرادی است که به سبب گرایش به اسلام شدیداً توسط مادرش حمنه دختر سفیان بن امیه مورد شکنجه قرار گرفت به نحوی که ابن سعد آن را بدترین شکنجه قریش نسبت به مسلمانان می‌داند (ابن سعد، ٤/ ۹۲). حمنه برای این که فرزندش را مجبور به ترک اسلام کند او را در معذوریت اخلاقی قرار می‌داد. مثلاً وی با اشاره به توصیه‌های پیامبر ﷺ مبنی بر نیکی به پدر و مادر، سوگند می‌خورد مادامی که عامر از اسلام برنگردد، زیر سایبان نرود و آب و غذا نخورد و آن قدر این کار را انجام می‌داد که به اجبار به حمنه غذا می دادند تا اینکه آیه ۱۵ سوره لقمان «اگر پدر و مادرت تو را به ترک خدا وادار کنند دیگر از آنها اطاعت نکن» نازل شد. نیز نقل کرده‌اند که مادرش، عامر را در خانه حبس و درش را نیز گل گرفت تا عامر از اسلام دست بردارد یا کشته شود (بلاذری، ۱۰/ ۲۸). در تمامی موارد بالا، منابع متقدم با توجه به این شکنجه‌های طاقت فرسا، تصریح کرده‌اند که چنین تازه مسلمانانی برای حفظ دین و جان خود به حبشه مهاجرت کرده‌اند. لازم به ذکر است که محققانی نظیر مونتگمری وات، تصریح کردند طوایف حلف الفضول، تازه مسلمانان گروه خود را به سبب گرایش به اسلام مورد اذیت و آزار قرار نمی‌دادند (وات، ۱/ ۱۱۰).

در این پژوهش با بررسی جمعیتی مهاجران به حبشه نشان داده شد که تا چه اندازه این پیمان‌ها بر روی تحرکات سیاسی در صدر اسلام تأثیرگذار بوده‌است. همچنین با فراوانی جوانان گروه حلف الاحلاف در بین مهاجران به حبشه، به نظر می‌رسد که

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

فشارهای سیاسی – اجتماعی سران قبایل و طوایف حلف الاحلاف بر روی اعضای جوان آن گروه موجب فشار و در نهایت موجب مهاجرت آنها از مکه شده‌است. فشار و شکنجه بر تازه مسلمانان از طرف رؤسای طوایف چنان طاقت‌فرسا بود که موجب شده‌بود تا شماری از آنها از اسلام برگردند (آیتی، ۱۲۸). از این‌رو پیامبر ﷺ به ناچار به این گروه از یاران خود که در معرض شکنجه بودند و پیامبر ﷺ نیز به سبب وجود مناسبات قبیلگی امکان حمایت از آنها را نداشت، دستور داد تا به حبشه مهاجرت کنند تا ایمانشان به خطر نیفتد (ابن هشام، ۱/ ۳۲۱–۳۲۲؛ ابن سعد، ۱/ ۱۵۹).

وضع سیاسی حبشه در زمان هجرت مسلمانان

با توجه به رویکرد این پژوهش به نظر می‌رسد، مهاجرت از مکه برای دور شدن از فشارها، مسئله اصلی و محوری مهاجرت به حبشه است. به عبارت دیگر مکان حبشه از نظر ایجابی جایگاه ویژه‌ای در این مهاجرت نداشته است. چنانکه در حوادث بعدی در تاریخ اسلام نیز از تأثیر این مهاجرت در حبشه گزارشی در منابع نیامده است. با این همه ارائه تصویری از حبشه در این نوشتار ضروری به نظر می‌رسد.

حبشه سرزمین کوهستانی در مشرق قاره آفریقا است. بیشتر آبادی‌های حبشه در تنگه‌ها، تل‌ها و دره‌ها واقع شده‌است. بخش بیشتر این سرزمین کهن با کشور اتیوپی کنونی منطبق است. همچنین کشورهای اریتره، جیبوتی و سومالی نیز در سرزمین تاریخی حبشه واقع شده‌اند. با این همه نویسندگان مسلمان اغلب کلمه حبشه را به صورت مبهم به کار می بردند. در اروپای قرون وسطی حبشه تقریباً معادل ناحیه قابل سکونت صحرای بزرگ آفریقا به کار می‌رفت.

برخی حبشی‌ها را اصالتاً اعراب یمنی می‌دانند که احتمالاً در قرن سوم و چهارم میلادی برای به دست آوردن آب و علف از تنگه باب المندب عبور کرده و در سواحل غربی دریای سرخ در نقطه مقابل یمن سکنی گزیده‌اند و به مرور بر اقوام ساکن در فلات اتیوپی مسلط شدند (فیاض، ٤١؛ سالم، ۹۱).

سرزمین حبشه با مرکزیت اکسوم در قرن سوم میلادی رونق یافت و در اوایل قرن

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

چهارم میلادی با فعالیت مبشران به مسحیت گروید. پس از آن مسحیت دین رسمی سرزمین حبشه شد. حضور مسحیان در جنوب عربستان به ویژه در شهر نجران نیز تحت تأثیر تبلیغات حبشی‌ها به‌ویژه پس از تسلط حبشه بر یمن بوده‌است. شاهان مسیحی حبشه ملقب به نجاشی بودند. ابرهه از شاهان حبشه یا دست نشانده شاهان حبشه، بعد از تسلط بر یمن به دنبال تصرف مکه بود. داستان هجوم سپاه ابرهه به مکه در زمان عبدالمطلب و هم‌زمان با تولد پیامبر ﷺ، به نام عام الفیل مشهور است. بعد از ظهور اسلام و تسلط مسلمان به سواحل غربی دریای سرخ، مسیحیان به مناطق کوهستانی حبشه رانده شدند اما همچنان بر سرزمین حبشه مسلط بودند، از این‌رو اطلاعات جغرافیانگاران مسلمان درباره بیابانی و گرم بودن اتیوپی صرفاً ناظر به سواحل گرم و خشک غرب دریای سرخ است (اصطخری، ۵، ۱۱، ۳۵؛ مسعودی، ۲۲٦؛ سالم، ۹۲-۹۰؛ لاهوتی، ۱۲/ ٥١٤-٥١٧).

پس از ظهور اسلام، مسلمانان در سرتاسر سرزمین حبشه پراکنده شده‌بودند اما مرکزیت و حکومتی نداشتند. اولین امیرنشین مسلمان در قرن هفتم هجری از سوی شاهان میسحی حبشه، در سواحلی غربی دریای سرخ در جایی به نام اوفات تشکیل شده‌بود. سه قرن پس از آن، تحرکات مسلمان در سرزمین حبشه توسط احمد گران مشهور به امام عَدَا (حک. ۹۱۲-۹٤۹) گسترش یافت (یمنی، ۲۷-۳۱؛ طاووسی مسرور، ۲۰/ ۷۷).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

جدول شماره یک (فهرست اسامی مهاجرین به حبشه)[1]

ردیف	اسامی مردان	همسران	فرزندان	وابستگی قبیلگی[2]
۱	ابو احمدعبد بن جحش			بنی اسد بن خزیمه
۲	ابو الروم			بنی عبد الدار
۳	ابو برده بن قیس اشعری			بنی عبد شمس
٤	ابو حذیفه بن عتبه	سهله بنت سهیل	محمد	بنی عبد شمس
٥	ابو رُهم			بنی عبد شمس
٦	ابو سَبره	ام کلثوم بنت سهیل	محمد – عبد الله	بنی عامر
۷	ابو سلمه	ام سلمه	زینب– عمرو	بنی مخزوم
۸	ابو عامر اشعری			بنی عبد شمس
۹	ابو عبیده			بنی حارث
۱۰	ابو فکیهه			هم‌پیمان عبد الدار
۱۱	ابو قیس بن الحارث			بنی سهم
۱۲	ابو موسی اشعری			هم‌پیمان بنی عبد شمس
۱۳	أربد بن حُمیره			بنی اسد بن خزیمه

۱. این جدول بر اساس ابن هشام، ۱/ ۳۲۲– ۳۳۰، ۳٦٤–۳٦۹، ۲/ ۳۵۹–۳۷۰؛ ابن سعد، ۳/ ٦۱، ۷۱، ۷۲، ۱۸۰، ۳۰۸، ٤/ ۳۵، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۱۰۲، ۲٦٤؛ ابن اثیر، *اسدالغابه*، ۱/ ۳٦۸، ۳/ ۲۹٦، ۳۰۱، ۷۰۷، ٤/ ۲۸۰؛ ابن اثیر، *الکامل*، ۲/ ٤۱۵؛ ابن عبدالبر، ۱/ ٤۰۰، ۳/ ۳۰۱، ۹۲۱، ۹٤۹، ۱۰۰۸، ۱۰۳٤، ٤/ ۱٦۰۸، ۱٦۹۵؛ ابن حجر عسقلانی، ۵/ ۲۵۱؛ مقریزی، *امتاع الاسماع*، ٦/ ۲۸۲؛ بلاذری، ۱/ ۱۹۸–۲۲۹، ۱۱/ ۱۷؛ ابن جوزی، ۳/ ۳۵۱ و زرکلی، ٤/ ۹٤ تنظیم شده‌است.

۲. نظر به اینکه این مقاله براساس رقابت‌های قبیگی به تحلیل مهاجران حبشه پرداخته است، از این‌رو منظور از وابستگی قبیلگی در این بخش، هرنوع وابستگی قبیگی اعم از حلف و ولاء و مانند اینهاست که سبب شده‌است تا رفتار افراد در قالب قبیله مقصد معنا پیدا کند. برای نمونه کسانی مانند عمار یا ابوفکهیه که به سبب پیوند بندگی رفتارشان در قالب طایفه بنی عبدالدار و بنی مخزوم معنا دار شده و یا ابوموسی اشعری که به سبب حلیف شدن با سعید بن عاص بن امیه، رفتارش با وابستگی به طایفه بنی عبدشمس معنادار شده‌است. از این‌رو چنین رفتار افرادی در قالب قبیله مقصد مورد تحلیل قرار گرفته است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

١٤	أسود بن نوفل			بنی اسد بن عبد العزی
١٥	بشر بن الحارث ابن قیس			بنی سهم
١٦	تمیم بن حارث			بنی سهم
١٧	جابر بن سفیان			بنی جمح
١٨	جعفر بن أبی طالب	اسماء بنت عمیس	عبد الله–عون–محمد	بنی هاشم
١٩	جنادة بن سفیان			بنی جمح
٢٠	جهم بن قیس	ام حرمله	عمرو–خزیمه[1]	بنی عبد الدار
٢١	حارث بن حارث بن قیس			بنی سهم
٢٢	حارث بن حرب			بنی امیه
٢٣	حارث بن خالد	ریطه بنت حارث	عائشه–موسی– زینب – ابراهیم یا فاطمه	بنی تیم
٢٤	حارث بن عبد قیس			بنی حارث
٢٥	حارث بن قیس			بنی سهم
٢٦	حارث بن معمر	قتیله		بنی جمح
٢٧	حاطب بن الحارث	فاطمه بنت مجلل	محمد – حارث	بنی جمح
٢٨	حاطب بن عمرو			بنی عامر
٢٩	حجاج بن حارث			بنی سهم
٣٠	حطّاب بن الحارث	فکیهه بنت یسار	محمد	بنی جمح
٣١	خالد بن حزام	ام حبیب بنت عوام	ام حسن	بنی اسد بن عبد العزی
٣٢	خالد بن سعید بن العاص	امینه بنت خلف	سعید– امه	بنی امیه
٣٣	خالد بن صخر			بنی تیم

١. عمرو و خزیمه قبل از هجرت متولد شده و به همراه خانواده به حبشه رفته بودند و مابقی فرزندان، متولد حبشه‌اند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

٣٤	خنیس بن حذافه	حفصه		بنی سهم
٣٥	خولی بن ابی خولی			هم پیمان بنی عدی
٣٦	ربیعه بن حارث			بنی هاشم
٣٧	زبیر بن العوام			بنی اسد بن عبد العزی
٣٨	سائب بن حارث			بنی سهم
٣٩	سائب بن عثمان			بنی جمح
٤٠	سائب بن مظعون			بنی جمح
٤١	سعد بن خوله			هم پیمان بنی عامر
٤٢	سعد بن عبد قیس			بنی حارث
٤٣	سعید بن حارث			بنی سهم
٤٤	سعید بن حرب			بنی سهم
٤٥	سعید بن عمرو التمیمی			بنی سهم
٤٦	سفیان بن معمر	حسنه	حارث	بنی جمح
٤٧	سکّران بن عمرو	سوده		بنی عامر
٤٨	سلمهٔ بن هشام			بنی مخزوم
٤٩	سلیط بن عمرو العامری	فاطمه ام قهطم	سلیط	بنی عامر
٥٠	سویبط بن سعد			بنی عبد الدار
٥١	سهیل ابن بیضاء			بنی حارث
٥٢	شجاع بن أبی وهب			بنی اسد بن خزیمه
٥٣	شرحبیل ابن حسنهٔ			هم پیمان بنی جمح
٥٤	شماس بن عثمان	أم حبیب		بنی مخزوم
٥٥	طلیب بن ازهر	رمله	محمد	بنی زهره
٥٦	طلیب بن عمیر			بنی عبد بن قصی
٥٧	عامر بن أبی وقاص			بنی زهره
٥٨	عامر بن ربیعه	لیلی بنت ابو حثمه		هم پیمان بنی عدی
٥٩	عبد الحمید بن حطاب			بنی جمح
٦٠	عبد الرحمن بن عوف			بنی زهره
٦١	عبد الله اصغر			بنی زهره

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

٦٢	عبد الله بن ابی خولی			هم پیمان بنی عدی
٦٣	عبد الله بن الحارث			بنی سهم
٦٤	عبد الله بن طفیل			ازد
٦٥	عبید الله بن مغیره			سبئی مصری
٦٦	عبد الله بن جحش			بنی اسد بن خزیمه
٦٧	عبد الله بن حذافه			بنی سهم
٦٨	عبد الله بن زمعه			بنی اسد بن عبد العزی
٦٩	عبد الله بن سفیان			بنی مخزوم
٧٠	عبد الله بن سهیل			بنی عامر
٧١	عبد الله بن شهاب			بنی زهره
٧٢	عبد الله بن عتبه			هم پیمان بنی زهره
٧٣	عبد الله بن عرفطه			بنی خدره بن عوف
٧٤	عبد الله بن مخرمه			بنی عامر
٧٥	عبد الله بن مسعود			هم پیمان بنی زهره
٧٦	عبد الله بن مظعون			بنی جمح
٧٧	عبد الله بن نضله			بنی عدی
٧٨	عبید الله بن جحش	ام حبیبه	حبیبه	بنی اسد بن خزیمه
٧٩	عبید الله بن سفیان			بنی مخزوم
٨٠	عتبه بن غزوان بن جابر			بنی نوفل
٨١	عتبهٔ بن مسعود			هم پیمان بنی زهره
٨٢	عثمان بن ربیعه			بنی جمح
٨٣	عثمان بن عبد غنم			بنی حارث
٨٤	عثمان بن عفان	رقیه	عبد الله	بنی امیه
٨٥	عثمان بن مظعون			بنی جمح
٨٦	عدی بن نضله			بنی عدی
٨٧	عروه بن أبی أثاثه			بنی عدی
٨٨	عقبه بن ابی وهب			بنی اسد بن خزیمه
٨٩	عمّار بن یاسر			هم پیمان بنی مخزوم
٩٠	عمر بن سفیان			بنی مخزوم

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

۹۱	عمرو بن أبی سرح			بنی حارث
۹۲	عمرو بن الحارث			بنی حارث
۹۳	عمرو بن حارث مصطلقی			بنی خزاعه
۹٤	عمرو بن أمیه			بنی اسد بن عبد العزی
۹۵	عمرو بن سعید بن العاص	فاطمه بنت صفوان		بنی امیه
۹٦	عمرو بن عاص			بنی سهم
۹۷	عمرو بن عثمان			بنی تیم
۹۸	عمیر بن رئاب			بنی سهم
۹۹	عیاش بن أبی ربیعه	اسماء بنت سلامه	عبد الله	بنی مخزوم
۱۰۰	عیاض بن زهیر			بنی حارث
۱۰۱	غنیم بن زهیر			بنی حارث
۱۰۲	فراس بن النضر			بنی عبد الدار
۱۰۳	قبهٔ بن مجدع			بنی کنانه
۱۰٤	قدامهٔ بن مظعون			بنی جمح
۱۰۵	قیس بن حذافه بن قیس			بنی سهم
۱۰٦	قیس بن عبد الله الأسدی	برکه بنت یسار		بنی اسد بن خزیمه
۱۰۷	مالک بن زمعه	عمره بنت سعدی		بنی عامر
۱۰۸	مالک بن عمرو اسدی			بنی اسد بن خزیمه
۱۰۹	مالک بن وهیب			بنی زهره
۱۱۰	محمد بن عبد الله بن جحش			بنی اسد بن خزیمه
۱۱۱	محمد بن قیس شرحبیل			بنی هاشم
۱۱۲	حمِیه بن جزء			هم پیمان بنی سهم
۱۱۳	مصعب الخیر			بنی عبد الدار
۱۱٤	مطلب بن أزهر	رمله بنت ابی عوف	عبد الله	بنی زهره

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

۱۱۵	مُعَتِّب بن عَوْف			هم پیمان بنی مخزوم
۱۱٦	معمر بن الحارث			بنی سهم
۱۱۷	معمر بن عبد الله بن نضله			بنی عدی
۱۱۸	معیقیب بن أبی فاطمه			بنی اسد بن خزیمه
۱۱۹	مقداد بن الأسود			هم پیمان بنی زهره
۱۲۰	نبیه بن عثمان			بنی جمح
۱۲۱	نضر بن حارث			بنی عبد الدار
۱۲۲	نضیر بن نضر			بنی عبد الدار
۱۲۳	نعمان بن عدی			بنی عدی
۱۲٤	نعیم بن عبدالله			بنی عدی
۱۲۵	نوفل بن اسد			بنی اسد بن عبد العزی
۱۲٦	وهب بن ابی سرح			بنی حارث
۱۲۷	هبار بن سفیان			بنی مخزوم
۱۲۸	هبار بن وهب			بنی جمح
۱۲۹	هشام بن ابی حذیفه			بنی مخزوم
۱۳۰	هشام بن العاص			بنی سهم
۱۳۱	هلال بن ابی خولی			هم پیمان بنی عدی
۱۳۲	یزید بن زمعه			بنی اسد بن عبد العزی
۱۳۳	یزید بن معاویه			بنی اسد بن عبد العزی
ــــ	ــــــــــ	ام ایمن		حبشی
	۱۳۳	**۲۵**	**۲۸**	**مجموعاً ۱۸٦ نفر**

بررسی جمعیتی

۱- تعداد

به تصریح منابع اولیه، مسلمانان در سال پنجم بعثت، در دو مرحله بـه حبشـه رفتنـد. در مرحله اول یازده مرد و چهار زن (ابن سعد، ۱/ ۱۵۹؛ ابن کثیـر، ۳/ ٦٦)، یـا ۱۲ مـرد (یعقوبی، ۲/ ۲۹؛ مقریزی، *إمتاع الأسـماع*، ۱/ ۳۷) و ۳، ٤ یـا ۵ زن (صـالحی شـامی، ۲/ ۳٦۳) به حبشه رفتند. در مرحله دوم نیز هشتاد و سه مـرد و هجـده زن (ابـن سـعد، ۱/

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

۱٦۱) یا ۷۰ مرد (یعقوبی، ۲/ ۲۹) به حبشه مهاجرت کرده بودند.

بررسی دقیق منابع اولیه نشان می‌دهد کـه تعـداد مهـاجران بسـیار پرشـمارتر از ایـن بوده‌است. در بررسی *سیره ابـن هشـام*، *طبقـات الکبـری* ابـن سـعد، *انسـاب الاشـراف* بلاذری، *استیعاب* ابن عبدالبر، *اصابه* ابن حجر، *اسدالغابه* ابن اثیر مشخص شد که شـمار مهاجران حبشه ۱۸٦ نفر بوده‌است. ۲٦ نفر از آنها، کودکانی هستند که در حبشـه متولـد شدند. اسامی تمامی این مهاجران در جدول شماره یک به صورت الفبایی و به تفکیـکِ مرد، زن، کودک و نام قبایل و طوایف آنها فهرست شده‌است.

مقایسه تعداد مهاجران به حبشـه بـا مسـلمانان اولیـه کـه در منـابع بـه نـام سـابقین مشهورند، گویای شمار بالای تازه مسلمانانی است که به حبشه رفته بودند. ابن هشام به روایت از ابن اسحاق فهرست ۵۳ نفری از سابقین در اسلام را معرفی کرده اسـت. ایـن لیست با اندکی تغییر در سبقت افراد در اسلام، در سایر منابع از جمله *طبقات* ابن سـعد و *انساب الاشراف* بلاذری نیز روایت شده‌است. اگرچه به سبب عدم ذکر افـرادی چـون خدیجه کبری علیها السلام و چهار دختر ایشان از پیـامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بـلال حبشـی، سـمیه، یاسـر و مقداد، اشکالاتی به این فهرست وارد است؛ با این حال به نظر می‌رسد کـه شـمار اولیـه مسلمانان حدوداً در همین تعداد بوده‌است. مقایسه جدول سابقین در اسـلام[1] (زرگـری نژاد، ۲۲۷-۲۳۲) نشان می‌دهد که ۳۱ نفر از ۵۳ نفر یعنی بیش از ٦۳ درصد سـابقین در اسلام جزو مهاجران به حبشه بوده‌اند. این درصد نشان مـی‌دهـد کـه بـیش از نیمـی از مسلمانان اولیه به حبشه هجرت کرده بودند.

۱. در کتاب *تاریخ صدر اسلام* فهرست اسامی اولین مؤمنان (سابقین)، بر اساس *سیره ابن اسـحاق*، *سـیره ابـن هشـام*، *روض الأنف* سهیلی و *نهایه الإرب* نویری تنظیم شده‌است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

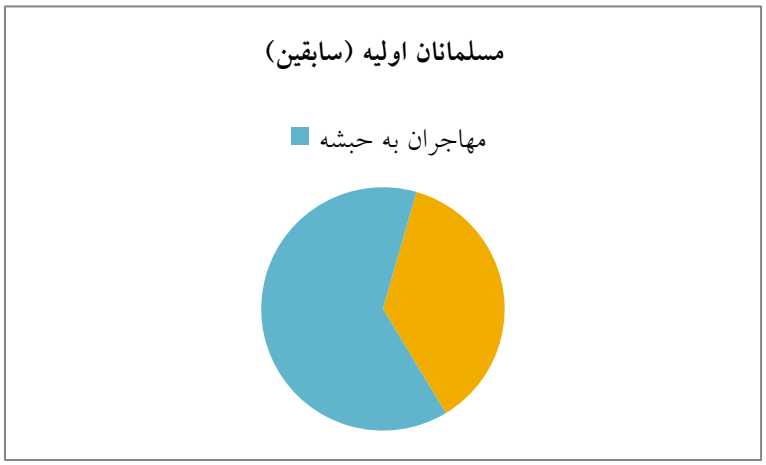

همچنین مقایسه شمار یاران پیامبر ﷺ در اولین جنگ مسلمانان با قریش یعنی غزوه بدر، نمونه مناسبی است تا شمار و اهمیت مهاجران به حبشه را آشکار کند. شمار مسلمانان حاضر در جنگ بدر، ۳۰۵ نفر بود که ۷٤ نفر (ابن سعد، ۲/ ۸) و به روایتی ۸۳ نفر آنها (ابن هشام، ۱/ ۷۰٦) از مسلمانان مکه (مهاجران) بودند. مقایسه این تعداد با جمعیت ۱۳۳ نفری مردان مسلمانان مکه که به سبب مهاجرت در حبشه حضور داشتند به خوبی گویای جمعیت قابل توجه آنها در مقایسه با مسلمانان مکه است. این در حالی است که سی و سه نفر از مهاجران حبشه نیز به دستور پیامبر ﷺ، خود را برای شرکت در غزوه بدر به مدینه رسانده بودند (جعیط، ۲۲۷). به بیان دقیق‌تر، ۳۳ نفر از ۸۳ نفر مسلمان مکه (مهاجران) حاضر در غزوه بدر نیز جزو مهاجران حبشه بودند که خود را به مدینه رسانده بودند و فقط ۵۰ نفر از سپاه مسلمانان حاضر در جنگ بدر کسانی بودند که از مکه به مدینه مهاجرت کرده بودند. ابن سعد (۲/ ۸) تصریح می‌کند که سه نفر از مهاجران به مدینه از حضور در جنگ بدر معاف شده‌بودند. به عبارت دیگر تعداد مردان مهاجر به مدینه در سال دوم هجرت فقط ۵۳ نفر بوده‌است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

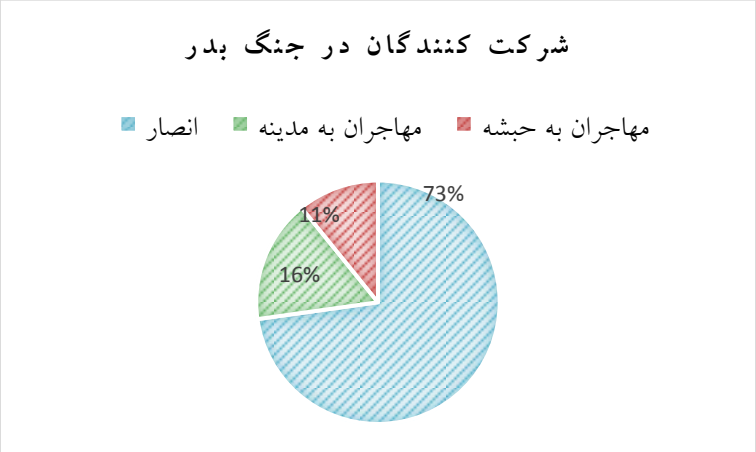

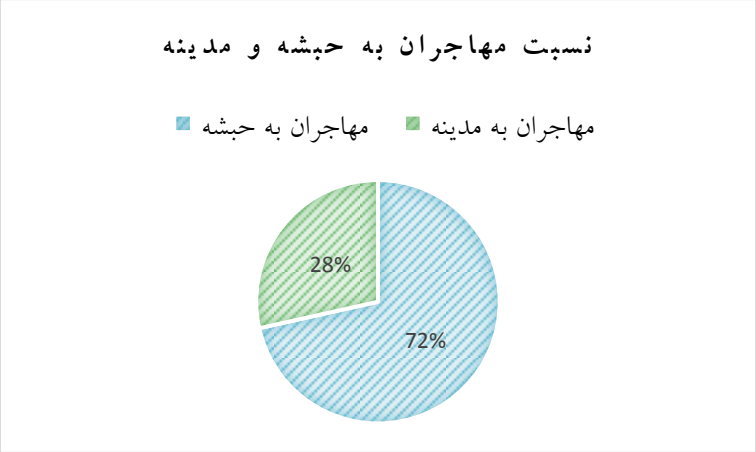

۲- جنسیت

بررسی جنسیتی مهاجران نشان می‌دهد که از مجموع ۱۶۰ نفری که به حبشه مهاجرت کرده بودند ۱۳۳مرد (۸۳ درصد)، ۲۵ زن (۱۶ درصد) و ۲ کودک (۱ درصد) بودند. به این معنی که ۸۳ درصد مهاجران را مردان و مابقی را زنان و کودکان تشکیل می‌دادند. بر این اساس به نظر می‌رسد که مردان در جامعه عرب صدر اسلام نسبت به زنان از استقلال فکری و اجتماعی بیشتری برخوردار بودند. به همین روی بیشترینِ مسلمانان اولیه و به تبعِ آن بیشترینِ مهاجران به حبشه را مردان تشکیل می‌دادند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

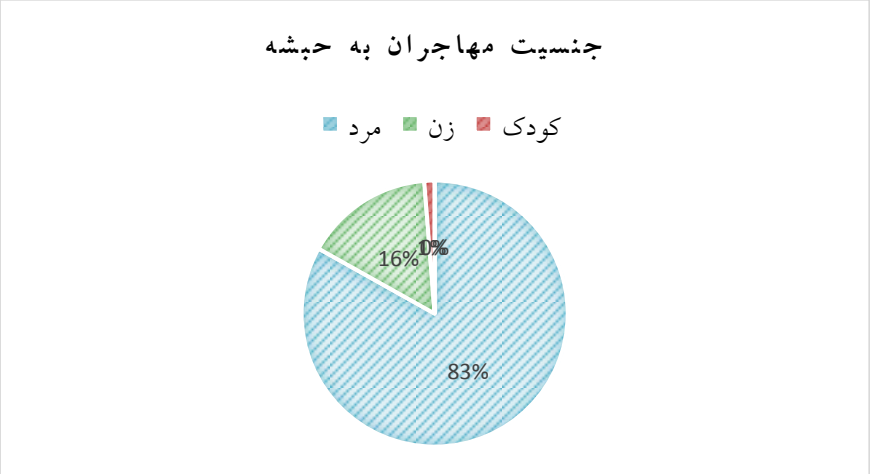

۳- تأهل

از مجموع ۱۵۸ نفر مرد و زنی که به حبشه رفته بودند تنها ٤٨ نفر (٢٤ خانوار) از آنها به صورت خانوادگی به حبشه رفته بودند. به این معنی که بیش از ۷۰ درصد مهاجران را مردان مجرد تشکیل می‌دادند. در ضمن از میان آن ٢٤ خانوار نیز تنها یک خانواده دارای ۲ فرزند بود. این آمار گویای جوان بودن تقریباً صد در صدی مهاجران به حبشه است. در تحلیل این آمار دو احتمال به نظر می‌رسد یک اینکه مردان مجرد و جوان بیشتر از متأهلان، از سوی خانواده‌های خود در فشار بودند تا از دین جدید دست بردارند؛ دو این‌که این آمار می‌تواند نشان دهد که به طور کلی مجردها به سبب نیروی جوانی و تغییرپذیری گرایش بیشتری به اسلام داشته‌اند.

۴- پیوند قبیلگی

وابستگی قبیلگی مهاجران حبشه که در جدول شماره دو تنظیم شده جدای از اینکه اطلاعات با ارزشی در اختیار سیره‌پژوهان قرار می‌دهد به نوعی می‌تواند گویای علل و اسباب مهاجرت به حبشه نیز باشد. براساس اطلاعات این جدول ۱۲۰نفر (از جمعیت ١٦٠ نفری مهاجران (۱۳۳ مرد، ۲۵ زن، ۲ کودک) یعنی حدود ۷۷ درصد آنها از گروه حلف‌الاحلاف بودند و ۳۲ نفر (۲۸ مرد و ٤ زن)، یعنی حدود ۲۰ درصد آنها از گروه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

حلف‌المطیبین و ۸ نفر (۵ مرد و ۳ زن)، یعنی حدود ۳ درصد باقی مانده نیز از طوایفی‌انـد که بر اساس منابع موجود، وابستگی آنها بـه درسـتی مشـخص نیسـت و جـزو دو گـروه مذکور به شمار نمی‌روند و احتمالاً بی طرف بوده‌انـد. همچنـین لازم بـه ذکـر اسـت کـه جدول شماره یک نشان می‌دهد که ۱۸ خانوار از ۲٤ خانوار مهاجر یعنی ۷۵ درصـد آنـان که به صورت خانوادگی به حبشه هجرت کرده‌اند از گروه حلف الاحلاف هستند.

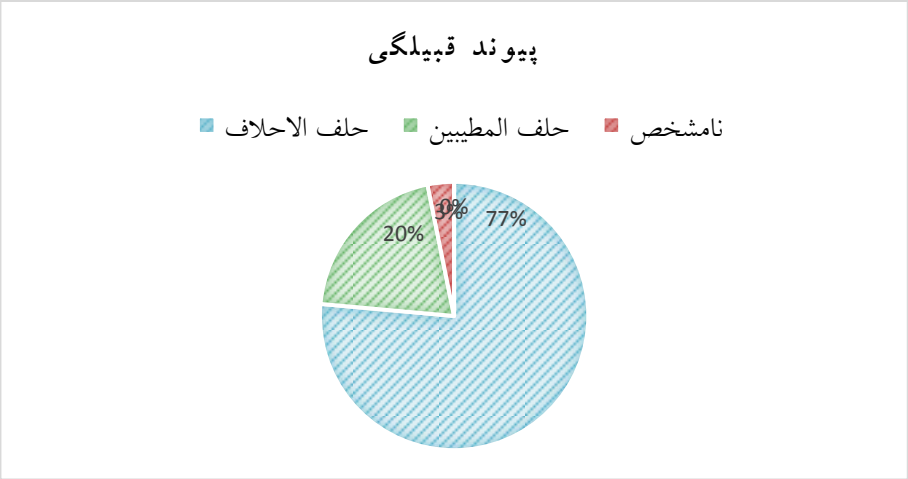

پیشتر گفته شد که حلف الاحلاف از دیرباز در مقابل حلـف المطیبـین صـف آرایـی کرده بودند. از این‌رو سران حلف الاحلاف پس از بعثت پیامبر ﷺ و گرایش جوانـان این گروه به دین جدید واکنش شدیدتری از خود نشان دادند، چه آنها گمان مـی‌کردنـد که در نزاع دیرینه بر سر قدرت در مکه از رقیب جا مانده‌اند. از ایـن رو بـه شـکنجه و آزار و اذیت جوانان تازه مسلمان گروه خود بر آمده تلاش کردند با این کار تـوازن قـوا را به نفع خود تغییر دهند.

یافته‌های این پژوهش درستیِ تحلیل و تعلیل منابع اولیـه در مـورد هجـرت را تأییـد می‌کند. اکثر قریب به اتفاق منابع مذکور صرفاً به فشار و آزار مشرکان بر تازه مسـلمانان اشاره دارند و بیان می‌کنند که پیامبر ﷺ برای رهـایی یـارانش از ایـن فشـار بـه آنهـا دستور داده بود تا به سـرزمین دیگـری مهـاجرت کننـد و آزادانـه در آنجـا بـه عبـادت بپردازند تا زمانی که خداوند برای آنان گشایش و راه برون شدی از این مشکلات قـرار

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

دهد (ابن هشام، ۱/ ۳۲۱-۳۲۲؛ ابن سعد، ۱/ ۱۵۹).

برخی محققان با نادیده گرفتن رقابت‌های قبیلگی و صرفاً بـه دلیـل وجـود اشـراف-زادگان بی‌شمار در فهرست مهاجران به حبشه، تحلیل‌های دیگـری از ایـن واقعـه ارائـه کرده‌اند. زرگری نژاد در کتاب *تاریخ صـدر اسـلام* بـدون در نظـر گـرفتن رقابـت‌هـای قبیلگی پیش‌گفته بر سر قدرت و تصریح گزارش منابع اولیه مبنی‌بر تـأثیر آزار و اذیـت تازه مسلمانان بر مهاجرت به حبشه، این فرض را مطرح کرده‌اند که مهاجرت به حبشـه به قصد تدارک پایگـاهی در خـارج از مرزهـای شـبه جزیـره صـورت پذیرفتـه اسـت (زرگری نژاد، ۲۷۳). این فرضیه در نگـاه اول جـذاب و مهـم مـی‌نمایـد. بـرای راسـتی آزمایی چنین فرضی باید بررسی کرد که آیا با رفتن مسلمانان به حبشه، پایگـاهی بـرای مسلمانان فراهم شد؟ بـه‌رغـم حضـور طـولانی مـدت مهـاجران مسـلمان در حبشـه و حمایت‌های نجاشی از آنها در برابر درخواست‌های سران قریش، در منابع اولیه و حتـی تحقیقات جدید، در علل رخدادهای وقایع دوره پیامبر ﷺ و خلفـای بعـدی، دربـاره حضور مثبت و منفی مهاجران مسلمان یا حتی حکمرانان حبشه، سلباً یا ایجابـاً تحلیلـی ارائه نشده‌است. در این صورت آیا باید گفت برنامه پیامبر ﷺ برای تـدارک پایگـاهی در خارج از مرزهای شبه جزیره عربستان به شکست انجامیده است؟ در حالی کـه اگـر علت مهاجرت مسلمانان به حبشه آنگونه که در این مقالـه بـا اسـتناد بـه منـابع اولیـه و تحلیل آماری مهاجران مطرح شده، دور شدن از فضای آزار و اذیت قـریش باشـد؛ ایـن برنامه پیامبر ﷺ به نتیجه مطلوب خود رسیده است چرا کـه بیشـتر مهـاجران پـس از واقعه خیبر و برقراری امنیت و آرامش نسبی، به مدینه مهاجرت کردند. از این‌رو به نظر می‌رسد فرضیه مهاجرت مسلمانان بـه حبشـه بـه قصـد تـدارک پایگـاهی در خـارج از مرزهای شبه جزیره نیازمند بحث و بررسی بیشتر است.

مونتگمری وات نیز به فراخور بحث در آثـار گونـاگون خـود، بـدون هـیچ شـاهد و سندی از منابع تاریخی، علت مهاجرت برخـی یـاران پیـامبر ﷺ بـه حبشـه و مانـدن گروهی دیگر در مکه را رقابت بر سر جانشینی پیامبر ﷺ بـین ابـوبکر و عثمـان بـن مظعون پنداشته و معتقد است که پیامبر ﷺ در اثر این رقابت، به ناچار گـروه عثمـان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

بـن مظعـون را بـه حبشـه فرسـتاد (Watt, *Muhammad Prophet and Statesman, 69;* Idem, EI, 1/110). اگر در منابع تاریخی شـاهد یـا سـندی بـر رقابت بین ابوبکر و عثمان بن مظعون یافت شود، سخن وات از این جهت که عثمان از طایفه بنی‌جمح و جزو گروه حلف الاحلاف است، قابل توجه و مهم خواهد بـود. چـه در این صورت می‌توان این فرض را مطرح کرد که پیامبر ﷺ، در آغاز دعـوت بـرای جلوگیری از نفوذ و قدرت‌گیری حلف الاحلاف و احیاناً جلوگیری از تحریـف جامعـه نوپای اسلامی، بخش بیشتر گروه تازه مسلمان گروه حلـف الاحـلاف را از شـبه‌جزیـره عربستان دور کرده است.

جدول شماره دو (تقسیم‌بندی مهاجران به حبشه بر اساس طوایف و گروه‌بندی‌های رایج در شبه جزیره عربستان)[1]

گروه	قبیله/طایفه	مردان	زنان	فرزندان	جمع کل
حلف الاحلاف	بنی عبد شمس	۵		۱	٦
✓	بنی امیه	٤	۱	۳	۸
✓	بنی عبد الدار	۸	۲	۲	۱۲
✓	بنی مخزوم	۱۱	۲	۳	۱٦
✓	بنی نوفل	۱			۱
✓	بنی جمح	۱٦	۲	٤	۲۲
✓	بنی سهم	۱۹	۱		۲۰
✓	بنی عدی	۱۰	۳		۱۳
✓	بنی اسد بن عبد العزی	۸	۱	۱	۱۰
✓	بنی اسد بن خزیمه	۱۰		۱	۱۱
✓	بنی عامر	۸	٦	۳	۱۷
مجموعاً		۱۰۰	۱۸	۱۸	۱۳٦
بی طرف یا نامشخص	بنی عبد بن قصی	۱			۱
✓	بنی خثعم		۱		۱

۱. اطلاعات این جدول بر اساس داده‌های جدول شماره یک جمع‌بندی و تنظیم شده‌است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

✓	بنی خدره بن عوف	۱			۱
✓	بنی تمیم		۱		۱
✓	ازد	۱			۱
✓	بنی کنانه	۱			۱
✓	حبشیّ		۱		۱
✓	سبئی	۱			۱
مجموعاً		۵	۳		۸
حلف المطیبین	بنی خزاعه	۱	۲		۳
✓	بنی تیم	۳	۱	۵	۹
✓	بنی زهره	۱۱		۲	۱۳
✓	بنی هاشم	۳	۱	۳	۷
✓	بنی حارث بن فهر	۱۰			۱۰
مجموعاً		۲۸	٤	۱۰	٤۲
		۱۳۳	**۲۵**	**۲۸**	**۱۸٦**

نتیجه

مهاجرت به حبشه یکی از مهمترین وقایع تاریخی دوره پیامبر ﷺ است که چندان مورد بررسی تاریخی قرار نگرفته است. در این مقاله با بررسی آماری مهاجران به حبشه نشان داده شد که بیشتر مهاجران به حبشه از تازه مسلمانان گروه حلف‌الاحلاف بودند. حلف‌الاحلاف به رهبری بنی‌مخزوم از دیرباز با حلف‌المطیبین به رهبری بنی‌هاشم بر سر کسب قدرت رقابت داشتند. از این‌رو پس از آغاز دعوت رسمی پیامبر ﷺ در سال پنجم بعثت که بسیاری از جوانان مکه از جمله جوانان گروه حلف‌الاحلاف به اسلام گرویدند؛ رؤسای حلف الاحلاف، احساس خطر کرده، برای باز گرداندن آنها از اسلام و جلوگیری از نفوذ بیشتر اسلام در بین سایرین، این جوانان را به شدت مورد شکنجه قرار دادند. پیامبر ﷺ نیز که بنا به الزامات قبیلگی، توان حمایت از تازه مسلمانان حلف‌الاحلاف را نداشت، برای دور کردن این تازه مسلمانان از آزار و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

شکنجهِ رؤسای طوایف، به آنان دستور داد تا به حبشه مهاجرت کنند. شمار جوانان تازه مسلمانِ گروه حلف‌الاحلاف که در سال پنجم بعثت مجبور به هجرت بـه حبشـه شـده بودند، بیش از دو برابر مردان مسلمانی بود که در سال سیزدهم بعثت به مدینـه هجـرت کرده و در جنگ بدر حاضر شده بودند. شمار فـراوان تـازه مسـلمانان در گـروه حلـف الاحلاف نشان می‌دهد که دعوت پیامبر ﷺ، فراتر از مناسبات قبیگی عـرب جـاهلی، به سرعت در حال گسترش در عربستان بود. به همین سبب گروش جوانـان قـریش بـه اسلام با برخود خشونت‌امیز سران قریش مواجه شـد. بـر ایـن اسـاس بررسـی آمـاری مهاجران به حبشه نشان می‌دهد که هدف اصلی مهاجرت به حبشـه حمایـت از جوانـان گروه حلف‌الاحلاف از شکنجه بوده‌است و فرضیه های دیگـر چـون بـه دسـت آوردن پایگاه جایگزین به جای مکه یا راهبرد پیامبر ﷺ برای خاتمه دادن به دو دستگی بـین تازه مسلمانان اعتبار چندانی ندارد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دارالفکر، ۱٤۰۹/ ۱۹۸۹.
- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی التاریخ الملوک و الامم، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱٤۱۲/ ۱۹۹۲.
- ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱٤۱۵/ ۱۹۹۵.
- ابن حزم، جمهره أنساب‌العرب، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳/ ۱۹۸۳.
- ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۲/ ۱۹۹۲.
- ابن کثیر الدمشقی، أبو الفداء اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷/ ۱۹۸۶.
- ابن هشام، عبد الملك، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت، دار المعرفه، بی‌تا.
- ابن‌سعد، محمد، الطبقات‌الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰/ ۱۹۹۰.
- اثنین‌خان، ثانی، مهاجرت به حبشه: پادشاه کمک می‌کند، ترجمه آرش نورقربانی، تهران، پلیکان، ۱۳۸۵ش.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد، مسالک الممالک، بیروت، دارصادر، ۱۹۲۷م.
- آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبراسلام، به‌کوشش ابوالقاسم‌گرجی، تهران، دانشگاه‌تهران، ۱۳۶۹ش.
- بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر، انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱٤۱۷/ ۱۹۹٦.
- جعیط، هشام، تاریخیه الدعوه المحمدیه، بیروت، دارالطلیعه، ۲۰۰۷م.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

– جمیل، محمد بن فارس، مهاجرت به حبشه، ترجمه علیرضا ذکاوتی، به ضمیمه داستان هجرت به حبشه، رسول جعفریان، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، بی‌تا.
– ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۱۳/ ۱۹۹۳.
– راستگو، محمد حسن، مهاجرت به حبشه، مشهد، دقت، ۱۳۴۹ش.
– زرکلی، خیرالدین، الاعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۹.
– زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران، سمت، ۱۳۹۰ش.
– زریاب، عباس، سیره رسول الله (ص) (از آغاز تا هجرت)، تهران، سروش، ۱۳۷۶ش.
– سالم، عبدالعزیز، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدر نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰ش.
– سحار، عبدالحمید جوده، هجرت به حبشه، ترجمه عبدالکریم بی‌ازار شیرازی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ش.
– صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴/ ۱۹۹۳.
– طاووسی مسرور، سعید، «حبشه»، دائره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۱ش.
– فیاض، علی اکبر، تاریخ اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ش.
– لاهوتی، بهزاد، «حبشه»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷ش.
– محمدی، اسحاق، هجرت به حبشه (از دیدگاه اهل سنت)، تهران، احسان، ۱۳۸۵ش.
– مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، التنبیه و الاشراف، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره، دار الصاوی (افست قم، مؤسسه نشر المنابع الثقافه الاسلامیه)، بی‌تا.
– مطهری، مرتضی، مهاجران حبشه، قم، مطهر، بی‌تا.
– مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفده و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]

المتاع، تحقیق محمد عبد الحمید النمیسی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰/ ۱۹۹۹.
– مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی، النزاع و التخاصم فیما بین بنی امیـه و بنـی هاشـم، اعـداد و تعلیق صالح الوردانی، قاهره، الهدف للاعلام و النشر، ۱۹۹۹م.
– یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
– یمنی، حسن، حدیقه النظر و بهجه الفکر، چاپ مراد کامل، بیروت، دارالیمنیه، ۱۴۱۲ق.
– Watt, Montgomry, "Abu Bakr", The Encyclopaedia of Islam, New edition,Leiden, 1986.
– Watt, Montgomry, *Muhammad Prophet and Statesman*, London: Oxford University Press, 1980.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.39.5]